

قیام ۱۹ دی قم

مهناز میزبانی

۱۹ دی یادآور خاطره کشتار مردم قم در سال ۱۳۵۶ و انتشار مقاله ای علیه امام و نهضت است. این واقعه آغازگر تحوّل نوین در نهضت اسلامی بود که با تسلسل اربعین شهدا با پیروزی انقلاب به انجام رسید، این قیام تأثیر شگرفی بر سرنوشت نهضت اسلامی داشت. این تأثیر به عوامل متعددی بستگی داشت، با توجه به اینکه اعتراضهای مردم علیه اعمال ضداسلامی حاکمان سابقه دیرینه دارد، قیامهای متعددی انجام گرفته است. اما هیچکدام چنین تحوّلکی ایجاد نکرد. حادثه ۱۷ دی و کشتار گوهر شاد و ... با اینکه با اعتراض عمومی همراه بود به عللی مداومت نیافت و با فشار و ارعاب و ترندهای مختلف تحت عناوین تساوی مرد و زن، نیل به تمدن و پرهیز از ارتجاع در طول سالیان متمادی، جلوه یافت. انتشار چنین مقاله ای در توجیه منع حجاب نیز، در سالهای پیشین اتفاق افتاده بود. این اعمال با مخالفت و اعتراضهایی از جانب روحانیون و مردم روبرو شد. اما نتیجه ثمربخشی نداشت و تحوّل در جامعه پدید نیاورد. مثلاً در سال ۱۳۳۸ محمدجواد فومنی ضمن انتقاد از مقاله ای در روزنامه اطلاعات در جلسات روحانیون و در منابر، به این مسئله اشاره می کند که بی حجابی و حادثه ۱۷ دی جنبه قانونی ندارد و نایستی احساسات مردم شیعه را جریحه دار کرد. ذیل این گزارش مسئولین ساواک دستور می دهند که: «مصلحت است که فعلاً اهمیتی بر گفتار آنان نداد زیرا ایجاد تشنج بیشتری بایست آمدن ماه رمضان خواهد نمود»^۱ لذا اصل حمله به حجاب و اتهام ارتجاعی بودن به

۱. پرونده محمدجواد فومنی، شماره ۹۶۲۶۱، ج ۱، شماره ۱/۱۰۴، صفحه ۶۰، ۵۹.

تنهایی، عامل این جریان نبود. در سال ۵۶ با روی کار آمدن کارتر و سیاست مسالمت آمیز وی سیستم داخلی ایران تأثیر پذیرفت. صدارت آموزگار و ندای دروغین آزادی با مسافرت شاه و کارتر به کشورهای خود، مقارن بود. ارتباط تسلیحاتی و سیاسی ویژه ای که در این ملاقاتها و مذاکرات ایجاد شد تنفر و انزجار مردم را شدت بخشید. در این مذاکرات، دستگاه پهلوی مورد حمایت شدید امریکا قرار گرفت. لذا جسورانه وارد عمل شد. مقابله با نفوذ امام که به دنبال شهادت حاج آقا مصطفی، ذکر نام و عملکرد امام و مجاهدتهای ایشان در محافل عزاداری گسترده شده بود، در دستور کار قرار گرفت، آنتونی پارسونز سفیر انگلیس در ایران می گوید:

«در اوایل ژانویه تصمیم گرفته شد که برای بی اعتبار کردن خمینی مطالبی علیه او منتشر شود.^۱»

در گزارشی که از برداشتهای مختلف پیرامون حادثه ۱۹ دی تهیه و به ساواک ارسال شده است زمینه فکری این قیام را شرح می دهد:

«پیش از حوادث قم در مجالس ترحیمی که بخاطر درگذشت سیدمصطفی پسر خمینی در قم و تهران برپا شد، و عاظ و منبری ها مطالب تندى را ابراز کرده اند. و تقریباً می توان گفت که زمینه فکری شورش قم را همین و عاظ چیده و نطقه شورش در همین مجالس ترحیم پسر خمینی بسته شده است و در مجالس ترحیم قم، خلخالى، عبدوس، ربانى و در تهران در مسجد ارك روحانى به منبر رفته اند و مردم را علیه حکومت تحریک کرده اند. عبدوس که یک طلبه است در قم بسیار با حرارت سخنرانى کرده و سخت مستمعین را تحت تأثیر قرار داده است. روحانى در مسجد ارك تهران گفته است: از تمام کشورهای اسلامى و حتى اروپا و امریکا صدها و بلکه هزاران تلگرام تسلیت به روح ا... خمینی مخابره شده اما از ایران فقط سه تلگراف مخابره شده و پس از تحلیل موضوع نتیجه گرفته است که در ایران یا مردم به علت ترس از دولت تلگرام تسلیت برای خمینی نفرستاده اند و یا تلگرامهای آنها را مخابره نکرده اند. شایع است که بعد از پایان مجالس ترحیم پسر خمینی، خلخالى، ربانى، عبدوس، ناصر مکارم شیرازى، از قم و روحانى از تهران دستگیر و تبعید شده اند.^۲»

۱. پارسونز، آنتونی، غرور و سقوط، ترجمه محمود طلوعی، نشر هفته ۱۳۶۲، ص ۹۸-۱۰۰
۲. پرونده سیداحمد خوانساری، ج ۳، صفحه ۲۶۲، شماره ۳/۱۷۵.

جهت مقابله با رهبریت اسلام، مناسبت ۱۷ دی انتخاب شد تا ضمن یادآوری اتهام دیرینه مخالفت علما با آزادی زنان، توصیه اسلام به حجاب عمل ارتجاعی تلقی شود. کما اینکه مطبوعات خارجی و داخلی در دست رژیم در اوکین تحلیلهای خود از واقعه، اعتراض عمومی مردم را نوعی عمل ارتجاعی معرفی کردند.^۱

تحلیل سیاستمداران رژیم از جایگاه اسلام و امام در جامعه سبب شد تا رژیم پهلوی اعتراضات و اغتشاشات مردمی و دانشجویی را که به علت مسافرت وی به امریکا انجام گرفت نبیند^۲ و سرمست از غرور اتصال به کانون غرب، سیاستهای از پیش تعیین شده را پی گیرد. همین جهالت و نادانی باعث شده بود تا اندیشه مخالفت با حوزه و روحانیت را بارها در قالب دانشگاه اسلامی بیان کند و در اندیشه تسلط سازمان اوقاف بر روحانیت بر هر مستمسکی دست یازد.

دیگر آنکه با نمایش دمکراسی، فرصت حمله به روحانیت و امام برای رژیم مهیا می شود و آزادی قلم حربه نوین رژیم محسوب می گردد.^۳ این عمل رژیم در اوج غفلت از اعتقادات مردمی بیش از آنکه لطمه ای بر حریم امام و نهضت اسلامی وارد سازد پایه های خود را لرزان کرد.

انتشار مقاله ای در ۱۷ دی ۱۳۵۶ آغازگر این واقعه بود. روزنامه شماره ۱۵۵۰۶ اطلاعات، مقاله ای تحت عنوان «ایران و استعمار سرخ و سیاه» به قلم احمد رشیدی مطلق انتشار داد. اهانت به امام خمینی، ارتباط بین واقعه ۱۵ خرداد و عوامل خارجی، مخالفت روحانیون با اصلاحات ارضی، انقلاب سفید، تساوی حقوق زن و مرد، نقش عوامل توده ای و ... از مطالب عمده مقاله بود. با مطالعه روزنامه توسط طلاب و پخش خبر، تجمعهای کوچک اعتراض آمیزی در شهر قم، ایجاد شد. طلاب پس از تعطیلی

۱. روزنامه دی وات، چاپ بن در ۲۹/۱۰/۵۶ آورده است: در عصر تساوی حقوق، در چند شهر ایران صدها زن ایرانی بمناسبت چهل و دومین سال کشف حجاب، خواستار حجاب شدند. به نقل از کتاب هفت هزار روز تاریخ ایران و انقلاب اسلامی، ج ۲، زیر نظر غلامرضا کرباسچی، بهار ۷۱. همچنین در خبر دیگر در ۱۷/۱۰/۵۶ آمده است: زنان محجبه شهر مشهد بمناسبت سالروز کشف حجاب از سوی رضاشاه در اعتراض به سیاستهای رژیم علیه زنان جامعه اسلامی، با حجاب اسلامی دست به تظاهرات زدند.

۲. تظاهرات و اعتراض دانشجویان در هند و شعار مرگ بر شاه باعث شد تا دولت هند به دانشجویان هشدار دهد که در مدت دیدار شاه ایران از هند، محلهای اقامت خود را ترک نکنند و تهدید کرده است که تظاهر کنندگان ضدشاه را فوراً اخراج خواهد کرد. «خبرگزاری آسوشیند پرس ۱۲/۱۰/۵۶» نقل از کتاب هفت هزار روز صفحه ۷۸۹.

۳. مدنی، جلال الدین، تاریخ سیاسی معاصر، ج ۲، صفحه ۳۲۴، ۳۲۳.

دروس خود در ۱۸ دی، بسوی منازل آیات عظام حرکت کردند، با سخنرانی مراجع حول حمایت از ولایت و همدردی با طلاب، حرکت طلاب آغاز شد، تظاهراتی گسترده علیه رژیم شکل گرفت و شعار درود بر خمینی، مرگ بر این حکومت یزیدی سکوت چندساله را شکست. گزارش از وقایع ۱۸/۱۰/۵۶ این واقعه را چنین شرح می دهد:

«ساعت ۹ صبح روز ۱۸/۱۰/۳۶ [۱۳۵۶] در مدرسه خان قم یک بریده روزنامه اطلاعات را که بقلم احمد رشیدی مطلق تحت عنوان ایران و استعمار سرخ و سیاه و راجع به خمینی مطالبی نوشته بود به دیوار الصاق کرده بودند و طلبه ها دور بریده روزنامه جمع شده و چون جمعیت زیاد بود و همه نمی توانستند بخوانند لذا یک نفر که جلو بود شروع کرد با صدای بلند به خواندن تا رسید به نام روح ... خمینی طلبه ها بصدای بلند صلوات فرستادند و از همانجا شعار و تظاهرات شروع شد، جمعیت که حدود پانصد نفر بودند از مدرسه خان بیرون آمدند و قصد داشتند به صحن وارد شوند که فراشها فوراً دربهای صحن را بستند و طلبه ها مقداری شعار جلوی صحن داده و گفتند بروید منزل آیت ... گلپایگانی، طلاب همگی به منزل گلپایگانی رفتند بطوریکه منزل مذکور پر از طلبه و افراد شخصی شد آیت ... گلپایگانی پشت میکروفون رفتند و ۵ دقیقه سخنرانی کرده و گفت دیشب روزنامه را برایم خواندند خیلی ناراحت شدم مدتی است که به دین و روحانیت جسارت می کنند دستگاهها می گویند روحانیت با ما بودند در صورتیکه همه مراجع با برنامه آنها مخالف هستند و اینرا همه می دانند و حالا هم مخالف هستیم بعداً هم مخالف خواهیم بود و تلگرافاتی که ما برای آنها کردیم الآن هم رونوشتش در تلگرافخانه موجود است. بعد طلبه ها را نصیحت کرد که باید متحد باشید اختلاف را کنار بگذارند اختلاف بین ما از آمدن کارتر به ایران بدتر و زیان آورتر است، آنها از اختلافات ما استفاده می کنند. قبل از اینکه شما بیائید من داشتم نامه می نوشتم برای آیت ... خوانساری که جلو اینکارها را بگیرد چون من شخصاً با دستگاه رابطه ندارم. درسها را تعطیل کردیم ولی نباید که بهمین جا اکتفا کنیم ما باید با آقایان دیگر هم صحبت کنیم تا آنها هم با ما اقدام کنند. سخنرانی گلپایگانی که تمام شد جمعیت بطرف منزل شریعتمداری حرکت کردند و در مسیر خیابان شعار می دادند و مأمورین با اتومبیل به تظاهرکنندگان حمله کردند آنها هم به مأمورین سنگ پرتاب

و نام ۱۹ دی قم

می کردند تا بمنزل شریعتمداری رسیدند در منزل ایشان طلبه ای بنام سید کاظم رضوی کشمیری بلند شد و گفت حضرت آیت ا... الآن که ما از منزل آیت ا... گلپایگانی به منزل شما می آمدیم سرهنگ جوادی دستور شلیک داد و با تراکتور بما حمله کردند شما بدر دل طلبه ها برسید، بعد شریعتمداری سخنرانی کرد و گفت چون من مریض هستم نمی توانم صحبت کنم ولی امروز صبح روزنامه را خواندم خیلی متأثر شدم و باید این شخص که توهین کرده مجازات شود ما اقدام می کنیم حرف ما را گوش نمی دهند ولی اینرا بدانید اینها همه بضرر خودشان است چون همه مردم ایشان (خمینی) را می شناسند ولی شما آرام باشید و متحد باشید معلوم میشود شما ما را قبول دارید که به اینجا آمدید پس بگذارید ما با آقایان مشورت کنیم تا ببینیم چه باید کرد، سخنرانی شریعتمداری که تمام شد چون مقارن با ظهر بود لذا اعلام کردند عصر ساعت ۳ قدیم منزل آقای نجفی جمع شوید ساعت ۳/۵ طلبه ها در منزل آیت ا... نجفی جمع شدند، آیت ا... نجفی سخنرانی کرده و گفت من ایشان را (خمینی را) خوب می شناسم ما هشتاد سال است با همه رفیق هستیم ایشان با این حرفها کوچک نمی شود من اقداماتی کرده ام و نامه برای آقای نوری در تهران نوشته ام که ایشان هم اقدام کند. بعد از اتمام سخنان نجفی طلاب بمنزل سید صادق روحانی و آقا مرتضی حائری رفتند که من دیگر در این دو منزل نبودم. شب بعد از نماز مغرب و عشا در مسجد اعظم گفته شد که آقای حائری سخنرانی می کند ولی حائری بطور ایستاده پای منبر چند کلمه صحبت کرده اظهار داشت صلاح نیست ما در مسجد اعظم سخنرانی کنیم چون اینجا را هم مثل مدرسه فیضیه می گیرند اگر بنا باشد صحبت کنیم در جای دیگر صحبت خواهیم کرد و السلام. به محض اتمام سخنرانی حائری شعار درود بر خمینی، مرگ بر این حکومت یزیدی، شروع شد و از مسجد بطرف خیابان موزه بیرون آمدند جلوی در مسجد مأمورین آماده بودند طلبه ها بمحض مشاهده مأمورین با دست بطرف آنها اشاره کرده و فریاد می زدند مزدور برو گمشو، در تظاهرات امشب به عنوان اعتراض حدود ۱۰۰ عدد روزنامه اطلاعات را پاره کردند ضمناً به عنوان اعتراض نسبت به توهین که در روزنامه اطلاعات به خمینی شده بود کلیه درسهای حوزه تعطیل بود^۱.

زمینه تظاهرات گسترده در فردای آن روز، فراهم شد. نوزدهم دیماه حرکت جمعی بیش از ۱۰ هزار نفر از طلاب و روحانیون سامان گرفت و طلاب بسوی منزل آیت‌الله حاج میرزا حسین نوری همدانی حرکت کردند و پس از سخنرانی ایشان در ضرورت حمایت از مرجعیت و روحانیت به سمت چهارراه صفائیه (شهدا) حرکت کرده و ضمن شعارهای خود علیه رژیم و در حمایت از امام خمینی، با مأمورین شهربانی قم که از پیش آماده شده بودند، مواجه شدند^۱. مأمورین رژیم که از قبل خود را جهت ایجاد صحنه‌های آشوب و بی‌نظمی آماده کرده بودند به خردکردن شیشه‌های بانک ملی در کنار کلانتری پرداختند و سنگ اندازی را آغاز کردند^۲. رگبار مسلسل، پاسخ مأموران رژیم به مردم بی‌دفاع بود. مدرسه‌های خان و حجتیه صحنه خونین این تظاهرات شد و به شهادت صدها تن از طلاب و روحانیون منجر شد، شهرهای مشهد، آبادان، تهران، خرمشهر، اصفهان، کاشان، قزوین و... که به حالت تعطیل درآمده بودند، هماهنگ با این قیام فعالانه شرکت داشتند. شهربانی از تحویل پیکرهای شهدا به مردم ممانعت کرد و اعلام شد که به بهای هر گلوله مبلغ ۷۰۰ تومان دریافت می‌کند^۳ این اعمال که تنفر مردم را شدت می‌بخشید با حادثه ممانعت از عیادت آیات و مراجع از بیمارستان، صفوف تظاهرات را مستحکمتر کرد. پیام خونین واقعه بسرعت در میان شهرهای کشور پخش شد. با شهادت مظلومانه مردم، خیابانهای کشور مملو از جمعیت معترض به سیاست‌های رژیم شد، این مخالفت‌ها تا چهلم شهدا ادامه یافت، بیش از دیگران، مراجع و روحانیون موضع صریح خود را اعلام کردند، امام خمینی در نجف به دقت اوضاع را بررسی می‌کردند. و ضمن تعطیلی درس خودشان در حوزه علمیه نجف و نمازهای جماعت، پیام مهم و سرنوشت‌سازی ارسال کردند و وظایف امت و روحانیون و اوضاع سیاسی رژیم و... را شرح دادند. حوزه‌های علمیه در داخل کشور تعطیل شد و اعلامیه‌هایی از سوی مردم و جمعیت‌های روحانی و اشخاص مسئول و متعهد انتشار داده شد. تظاهرات و اعتراض عمومی تداوم یافت. نامه آیت‌الله گلپایگانی به آیت‌الله خوانساری و تقاضای رسیدگی به تخلفات رژیم در ۲۲/۱۰/۵۶

قیام ۱۹ دی قم

۱. مجله بانزده خرداد، شماره صفر، صفحه، ۲۸، دی‌ماه ۱۳۶۹.

۲. دوانی، علی. نهضت روحانیون، ج ۷، صفحه ۲۹.

۳. اسناد انقلاب اسلامی، جلد ۴، صفحه ۳۸۴، نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی، اعلامیه روحانیون خارج از کشور.

انتشار یافت و به دنبال آن آیت ۱... مرعشی نجفی، شیرازی، گلپایگانی و ... طی اعلامیه های مختلف به علمای شهرهای خرم آباد، اصفهان و ... عمل رژیم را تقبیح کرده و خواستار رعایت حریم روحانیت شدند، آیت ۱... سیدمحمدصادق روحانی نیز ضمن اعتراض به رویه آزادیخواهی دروغین رژیم این عمل را توطئه شکستن سد عظیم روحانیت بیان کردند^۲ علمای حوزه علمیه قم، مشهد، اصفهان، کاشان و ... به هدایت حرکت مردم و بیان عمق توطئه ضداسلامی رژیم پرداختند^۳ عده ای دیگر از مراجع ضمن ارسال نامه ای به آیه ۱... خوانساری درخواست کردند تا نسبت به این عمل اقدام شود، این آقایان؛ هاشم آملی، مرتضی حائری، محمدصادق روحانی، مرعشی نجفی، محمدرضا موسوی گلپایگانی و سیدکاظم شریعتمداری طی نامه ای به آیه ۱... خوانساری نوشتند که:

«اجتماعات روز گذشته قم احتیاج به توسل به اسلحه گرم نداشت، متأسفانه مأمورین متوسل به اسلحه شدند که منجر به کشته شدن عده ای بیگناه و مجروح شدن عده زیادی گردید. هنوز وضع بسیار متشنج است...»
 جواب رئیس ساواک به این نامه چنین است:

«عریضه آیات بعرض رسیده است در پاسخ به سیدجعفر خوانساری ابلاغ شده است که خمینی روحانی نیست و کار سیاسی می کند بنابراین نباید او را از مراجع روحانیت بحساب آورید و خودتان هم خوب می دانید که او چه وضعی دارد چرا به سایر روحانیون حمله نمی شود؟»
 پس از آنکه ساواک چنین موضعی می گیرد شریعتمداری اعلامیه ای صادر می کند، رئیس دفتر شریعتمداری در گفتگویی با یکی از مأمورین ساواک موضع شریعتمداری را در دوران نهضت بیان می کند، وی در مورد ۱۹ دی و موضع شریعتمداری چنین می گوید:

«آنوقت که روزنامه اطلاعات مقاله ای برعلیه آقای خمینی نوشته بود و سربسته

۱. مأخذ شماره ۱۰، جلد اول، صفحات ۴۱۱ الی ۴۲۴.

۲. مأخذ شماره ۱۰، جلد اول، صفحات ۵-۱۷۱، در ۲۱/۱۰/۵۶.

۳. مأخذ شماره ۱۰- جلد ۳ صفحات ۲۳۵ الی ۲۶۲.

۴. پرونده سیداحمدخوانساری، ج ۳، شماره ۳/۱۷۵، صفحات ۲۴۳، ۲۴۴.

بر علیه سایر آقایان، طلبه‌ها ریختند منزل آقا که توهین شده است. آقا فرمودند شما بروید ما خودمان اعتراض می‌کنیم و می‌خواهیم که مقاله را تکذیب بکنند، گوش ندادند رفتند منزل آقای گلپایگانی اونهم جواب مشابه دادند و رفتند منزل آقای نجفی و شروع کردند به تظاهرات خیلی آرام و آنروز کسی جرأت مرگ بر شاه را نداشت و حتی درود بر خمینی، فوقش صلوات بود درست یکسال پیش، روز ۱۷ دی این مقاله نوشته شده بود در روز ۱۹ دی روز دوم بود که بازار قم هم تعطیل شد و به اینها پیوستند و نزدیک خانه آقا مأمورین چند نفر از اینها را کشتند بدون اینکه لازم باشد، رزمی و جوادی و افاضلی و اینها ۶ نفر کشته و عده‌ای زخمی شدند و حتی برای عیادت هم ما را راه ندادند و ده دوازده روز بعد آقا اعلامیه‌ای دادند خیلی ملایم که لازم نبود اینجا کسی کشته شود چرا دولت اینکار را می‌کند، بعد هم چند نفری مخصوصاً سناتور موسوی آمد خدمت آقا گفت من همیشه خودم می‌آمدم ولی این بار اعلیحضرت مرا فرستاد از حضرت عالی انتظار نداشتند اعلامیه بدهید، آقا گفت بیایند ببینید جلو چشم من چکار کردند من نمی‌توانم بینم بالاخره من هم ... و پنج مطلب بود که آقا خواستند بعرض اعلیحضرت برسد تا این قضیه فیصله یابد یکی اینکه این رزمی‌ها را بردارند. دوم اینکه اینها را تنبیه بکنند حتی ببرند جای دیگر درجه هم بدهند چه مانعی داشت. دیگر اینکه کماندوها را از اینجا بردارید و مردم را تحریک نکنید و بنویسید که مقاله دروغ بوده و این شخص را نیز تعقیب بکنید اگر واقعیت دارد که احمد رشیدی مطلق که تنبیهش کنید اگر نیست که بنویسید اسم مستعاری بوده است و اشتباه شده و یک چیزهایی و اینکار را نکردند آن موقع و یک عذرخواهی هم از آقا بکنید که اهانت شده است بعد منجر شد به صحبت آقا و آقای گلپایگانی که گفتند ما قانون می‌خواهیم شما می‌گویید آنها مرتجع هستند، ما کجا مرتجع هستیم ما می‌گوییم این کشتار بدون دلیل ارتجاع است و ما ارتجاعی نیستیم و تا چهل روز منتظر شدند و هیچ رسیدگی نشد بعد مجبور شدند که یک چهل‌م بگیرند و ...»^۱

ملاقاتی که موسوی سناتور با شریعتمداری داشته است بشرح زیر گزارش شده است:

۱. پرونده سید کاظم شریعتمداری، شماره ۱/۲۲۲، صفحات ۱۳۸، ۱۳۷.

«روز ۲۸/۱۱/۳۶ با جعفری که یکی از اطرافیان شریعتمداری است تماس گرفتم وی اظهار داشت دیروز صبح سناتور دکتر موسوی بقم آمده بود و با شریعتمداری تماس گرفت و به آقا گفت این اعلامیه شما از اعلامیه قبلی خیلی داغ تر است هنوز سابقه نداشته است که روحانیت عزای عمومی اعلام کند این چه وضعی است؟ آقا در جواب گفتند شما چرا اینقدر بی توجه هستید چرا هیچگونه مشورتی در کارهایتان با ما نمی کنید چه می شد اگر یک تعداد از این مأمورین قم را لااقل منتقل می کردید تا التیامی حاصل می شد؟ موسوی هم صحبت از اعلامیه و سخنرانی خمینی بمیان آورده شریعتمداری گفته قبول داریم او خیلی تند رفته و حرفهایی زده که اصولاً نمی بایست زد و ما هم راه خود را از او جدا کردیم، گفتیم هنوز کوچکترین اقدامی بعمل نیامده و مأمورین را محاکمه نکرده اند می خواستند اقدامی ولو کوچک هم که شده انجام دهند، جعفری افزود سناتور موسوی مرتبه اول که آمده بود نزد آقا قدری تسلیم شد و راضی رفت ولی این مرتبه قانع نشده و به آقا گفته بود اعلامیه شما تند است و ناراحت رفت، جعفری اضافه کرد که در تهران آیه... خوانساری با نماینده دولت تماس گرفته و گفته است اگر شما روحانیت را نمی خواهید ما از مملکت می رویم در جواب ایشان گفته اند ما روحانیت را می خواهیم ولی خمینی را نمی خواهیم و به عنوان دلیل نوار سخنرانی و اعلامیه خمینی را به او نشان داده اند، خوانساری ناراحت شده و گفته است آخر این سید چرا این حرفها را می زند لذا سکوت کرده و دیگر اعتراض نکرده حتی درس و نماز را هم تعطیل نکرده و اعلامیه هم نداده است. جعفری سپس افزود که آقای شریعتمداری هم با روش خمینی موافق نیست زیرا اگر اقدام علماء قم احتمالاً ممکن بود اثری بگذارد سخنرانی خمینی کار را خراب کرد و دیگر فایده ندارد.^۱»

آیه... خوانساری ضمن آنکه اعلامیه ای انتشار ندادند دروس و نماز خود را تعطیل نکرد لذا در نامه ای که آیه... گلپایگانی به آیه... خوانساری نوشته، تقاضای ابراز همدردی شد و پس از اینکه ثمری نبخشید نامه ای دیگر نوشته و از سکوت وی ابراز تأسف می کند.^۲ طبق گزارشی دیگر از ساواک قم، آیه... خوانساری برای مسافرت به عتبات خود را آماده می کند.^۳

۱. پرونده سیداحمد خوانساری، ج ۳، صفحات ۲۷۰، ۲۶۹.

۲. مأخذ شماره ۱۶ صفحه ۱۶۴ و مأخذ شماره ۱۰ ج اول، صفحه ۴۱۱، متن نامه آیه... گلپایگانی به آیه... خوانساری و صفحه ۴۱۶ پاسخ آیه... خوانساری به آیه... مرعشی نجفی.

۳. مأخذ شماره ۱۶، جلد ۶، صفحه ۲۴۶.

مردم نیز با تداوم تظاهرات و تعطیلی بازار و ... اعتراض خود را شدت بخشیدند. تظاهرات در زنجان^۱، عدم حضور ائمه جماعت در اهواز^۲ و اعتصاب بازاریان اصفهان و شیراز^۳، تعطیلی بازار تهران^۴، تظاهرات مردم دزفول و تعطیلی حوزه علمیه مشهد^۵ و بسیاری دیگر از شهرهای کشور هماهنگ و یکپارچه موج عظیمی از مخالفت و اعتراض را نسبت به انتشار مقاله علیه امام و کشتار مردم و سیاستهای ضداسلامی رژیم ایجاد کرد. دانشجویان ایرانی در داخل و خارج از کشور نیز مخالفت آشکاری کردند در ایران همگام با مردم و روحانیت علیه اقدامات دولت به صحنه آمدند، مخالفتها و شورشهایی در سطح دانشکده ها انجام شد^۶. در خارج از کشور، یکصد دانشجوی ایران در شهر کانزاس آمریکا با شعار مرگ بر شاه اعتراض کردند^۷.

رژیم نیز که تا آن زمان به عمق نهضت پی نبرده بود دست به اقداماتی زد. برپا ساختن میتینگها و تظاهرات ضربتی برله رژیم در شهرهای قم^۸، تبریز و خوزستان^۹ و انتشار کتاب بسوی تمدن بزرگ نوشته محمدرضا پهلوی که اقدامات شاه را طرحهای انقلاب سفید بیان کرده و مخالفین آنرا با توجیهی مشابه مقاله به باد انتقاد می گیرد. شکستن شیشه های بانک و ... و نسبت دادن این عمل به متظاهرين، ایجاد اختلاف و تفرقه بین روحانیون و دستگیری و تبعید روحانیون و مخالفین رژیم بصورت گسترده از عمده اقدامات رژیم بود. رژیم حتی از تشکیل اجتماعات مراسم ختم^{۱۰} ممانعت می کرد. مبارزات مردم، مراسم چهلم شهدا را در شهرستانها با شکوه تر کرد. در

۱. خبرگزاری آسوشیتدپرس، به نقل از کتاب هفت هزار روز تاریخ ایران و انقلاب اسلامی، ج ۲، صفحه ۷۸۵، (۵۶/۱۰/۲۶).

۲. در ۵۶/۱۰/۲۴، به نقل از خبرگزاری پارس در کتاب هفت هزار روز تاریخ ایران و انقلاب اسلامی، ج ۲، صفحه ۷۸۳.

۳. کتاب هفت هزار روز تاریخ ایران و انقلاب اسلامی، ج ۲، ص ۷۸۳ (۵۶/۱۰/۲۴).

۴. در ۵۶/۱۰/۲۹، کتاب هفت هزار روز تاریخ ایران و انقلاب اسلامی، ج ۲، صفحه ۷۸۵.

۵. در ۵۶/۱۱/۳، به نقل از کتاب هفت هزار روز تاریخ ایران و انقلاب اسلامی، ج ۲، صفحه ۷۸۷.

۶. در ۵۶/۱۰/۲۱، خبرگزاری پارس، به نقل از هفت هزار روز تاریخ ایران و انقلاب اسلامی، ج ۲، صفحه ۷۸۱-۷۸۲.

۷. خبرگزاری پارس: تظاهرات دانشجویان دانشگاه آذربادگان به درگیری با پلیس انجامید. (مأخذ شماره ۲۴).

۸. خبرگزاری آسوشیتدپرس ۵۶/۱۱/۲۰ به نقل از کتاب هفت هزار روز تاریخ ایران و انقلاب اسلامی، ج ۲، ص ۷۹۱.

۹. پرونده سیداحمد خوانساری ج ۳، ص ۲۳۲ در ۵۶/۱۰/۲۲.

۱۰. روزنامه رستاخیز، در ۵۶/۱۱/۲۷ به نقل از کتاب هفت هزار روز تاریخ ایران و انقلاب اسلامی، ج ۲، ص ۷۸۵.

بعضی از شهرها بر خورد خونین و کشتار تجدید شد. حادثه ۱۹ بهمن در تبریز که از سوی عوامل رژیم، جمعی از مردم بی دفاع را به خاک و خون کشاند، تبلور عینی مبارزه ۱۹ دی بود و چهلّم شهدای تبریز در شهرستانهای دیگر برگزار شد و همین تسلسل اربعات بود که گردونه زمان را به سمت پیروزی چرخاند و با سازماندهی و رهبری امام خمینی خواسته رژیم که محور روحانیت و اسلام بود به حاکمیت اسلام و طرد طاغوت مبدّل شد.

آنچه مسلم است مخالفت با اصول اسلام و ولایت هرگاه موجودیت یافت، به شورش و برپایی ظلم منجر شد، اصل ولایت که ریشه در اعماق روحهای خفته مردم در سال ۱۳۴۲ داشت، بیداری و هوشیاری ایجاد کرد و با عقب نشینی رژیم پس از وقایع ۱۵ خرداد توان نهفته مردم را در ۱۹ دی به ظهور کشاند. رهبریت در مکتب شیعه به حبّ ولایت در قلوب مشتاقان اهل بیت تکیه دارد. دشمنان ساحت مقدّس ولایت همواره محکومند و مطرود.

حادثه ۱۹ دی در کنار شهادت ثمربخش شهید مصطفی خمینی که مجال مبارزه علیه رژیم را فراهم ساخت و جایگاه شهادت و پاسداری از حریم شهدا در مراسم چهلّم، بر حضور مردم در صحنه افزود، بیداری و هشیاری مردم و حضور بموقع آنان در صحنه سرنوشت، مخالفان اسلام را نابود ساخت، توطئه های دیگری که در طول عمر نهضت علیه امام و مراجع روحانی در جامعه انجام گرفت، همگی با هشیاری مردم سرکوب شد. حامیان اسلام نیز در تداوم انقلاب کوشیده اند و همواره عکّم پیروزی بر دوش داشته و هرگونه توطئه علیه مقدّسات نظام اسلام را شناخته و با تدابیر و هشیاری به مقابله می پردازند.